Archive of SID.ir

معرفت ـــ سال سی‌ام، شماره چهارم، پیاپی ۲۸۳، تیر ۱۴۰۰، ص ۹۷ـ۱۰۴

نوع مقاله: ترویجی

تحلیل حقوقی عملیات نظامی موسوم به شاخه زیتون
در چارچوب حقوق بین‌الملل

احسان صادقی‌پور / کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ehsansadeghipoor@yahoo.com

دریافت: ۹۹/۱۲/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

چکیده

در ژانویه ۲۰۱۸م دولت ترکیه عملیات شاخهٔ زیتون را با توسل به اصل دفاع مشروع و با هدف برقراری ثبات و صلح در مرزها و نابودی تروریست ها در عفرین سوریه آغاز کرد. این در حالی است که حقوق بین‌الملل به‌هیچ وجه، به حق حمله به دولت دیگر، به دلیل ترس از اینکه در قلمرو دولت دیگر در حال طراحی برای حمله وجود دارد، اشاره ای ندارد. آنچه که مشخص است آنکه «دفاع مشروع» تنها زمانی مجاز است که یک تهاجم واقعی به وقوع پیوسته باشد و در فقدان عنصر تهاجم، استناد به دفاع مشروع جایز نیست. بنابراین، استناد به این اصل برای توجیه دفاع پیشگیرانه کاملاً ناموجه بوده و نقض صریح منشور ملل متحد تلقی می‌شود. هدف از پژوهش مزبور بررسی عملیات شاخهٔ زیتون از دیدگاه حقوق بین‌الملل بالاخص منشور ملل متحد است. بنابراین پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی ـ تحلیلی است و با استفاده از منابع و اسناد معتبر کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: دفاع پیش‌گیرانه، عملیات شاخه زیتون، تروریسم، نقض منشور، دفاع مشروع.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

کشتار بی‌رحمانه میلیون‌ها انسان در کنار هزاران مصیبت و بلای خانمان سوز در طول مخاصمات مسلحانه تاریخ بشری، به‌ویژه در جنگ‌های جهانی اول و دوم، سرانجام آدمیان را به این نکته مهم رهنمون ساخت که ملهم از ادیان الهی و تفکرات پاک انسانی، جنگ و خشونت همانند نشانه‌های صغارت بشری، باید از عرصه روابط فردی و گروهی انسان‌ها کنار گذاشته شود؛ توسل و یا تهدید به زور، جنایت بین‌المللی خوانده شد، و زندگی در صلح و امنیت به‌عنوان مهم‌ترین حقوق انسانی، برای همهٔ افراد رسمیت یافت (محمدرفیعی، ۱۳۸۲، ص ۵۵). وقوع دو جنگ جهانی در فاصله کوتاه موجب شد تا منشور ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی برای دنیای پس از جنگ، ممنوعیت کاربرد یا تهدید توسل به زور را اصل بنیادین خود قرار دهد و مهم‌ترین استثنا را در این راستا، حق ذاتی دفاع مشروع برشمارد. در واقع حق دفاع مشروع دولت ها اصلی است مقدس، و به معنی حمایت از کشورهای کوچک و ضعیف در برابر تجاوز کشورهای قدرتمند است (شریفی طرازکوهی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۲، ص ۱۰)، اما شگفت آنکه پس از شکل‌گیری سازمان ملل متحد و تدوین تدریجی حقوق بین‌الملل معاصر، همواره قدرت‌های بزرگ می‌کوشیدند مواد قراردادها و کنوانسیون‌ها را به نوعی به نفع خویش قرائت کنند. یکی از جدیدترین و البته خطرناک‌ترین این تحریف‌ها، تفسیر موسع از حق «دفاع مشروع» است. طبق مفهوم سنتی، لازمه دفاع مشروع، وقوع حمله مسلحانه از جانب دشمن است، اما حامیان تفسیر گسترده، فراتر رفته و با ارائه تعریفی جدید از دفاع مشروع، از دفاع در برابر هرگونه احتمال حمله در آینده یا دکترین دفاع پیشگیرانه صحبت می‌کنند، حمله‌ای که هنوز صورت نگرفته و حتی در مواردی هیچ دلیل و اعتقادی در خصوص طراحی تهاجم وجود ندارد (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

آنچه مسلم است این است که رفتار دولت‌ها بیشتر تابع سیاست‌ها و منافع ملی‌شان است و آن‌گاه که قواعد و نهادهای حقوقی بین‌المللی را مانع کار خود بیابند، می‌کوشند یا به گونه‌ای آن را دور بزنند و یا به تغییر در آن مبادرت ورزند. به قول *یان براونلی* ـ استاد برجسته حقوق بین‌الملل ـ «بدون شک، رژیم حقوقی همیشه متضمن مسائل اجرا خواهد بود و قواعد، ولو اینکه دقیقاً هم تنظیم شده باشند، نمی‌تواند دولت‌ها را وادار به رفتار به صورت متمدنانه کند» (بهستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴).

در هر حال در موارد متعدد، دولت‌ها برای نابودی تروریست‌ها و پایگاه های آنها و جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی در آینده، به قوهٔ قهریه متوسل می‌شوند. اخیراً دولت ترکیه نیز با استفاده از دکترین تفسیر موسع از دفاع مشروع، عملیات نظامی موسوم به «شاخه زیتون» را در منطقه عفرین واقع در شمال غربی سوریه آغاز کرده، که به گفته رسانه‌های ترکیه، بیش از شش هزار نیروی نظامی این کشور در این عملیات شرکت دارند (تابناک، ۱۳۹۶). ظاهراً دولت ترکیه اهداف متعددی از این عملیات در سر دارد؛ که مهم‌ترین آنها را نابودی عناصر حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، حزب اتحاد دموکراتیک سوریه (پ.ی.د)، یگان‌های مدافع خلق سوریه (ی.پ.گ) در عفرین اعلام کرده و در راه رسیدن به آن، حتی از برخی گروه‌های تروریستی ـ تکفیری حمایت و پشتیبانی به‌عمل می‌آورد. ترکیه این جریان سیاسی ـ نظامی سوریه را به ارتباط با حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) متهم می‌کند و آن را یک سازمان تروریستی می‌داند (یورونیوز، ۲۰۱۸). به علاوه این گروه‌های تروریستی از طریق حمایت‌های نظامی ـ تسلیحاتی آمریکا، سرزمین‌های وسیعی از خاک سوریه را تصرف کرده اند، که تهدید جدی برای ترکیه محسوب می‌شود (تی آر تی پرشین، ۲۰۱۸). در نهایت ترکیه معتقد است که عملیات شاخه زیتون براساس حق دفاع مشروع بین‌المللی، قطعنامه‌های مبارزه با تروریسم شورای امنیت و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، و با احترام به حفظ تمامیت ارضی سوریه انجام می‌شود (خبرگزاری آناتولی، ۲۰۱۸). در حقیقت دولت ترکیه با ارائه تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور به دکترین دفاع پیش‌گیرانه استناد می‌کند. این دکترین مبتنی بر ضرورت نظامی است که براساس آن، بهترین دفاع، حمله اول و نابودی قوای دشمن است؛ حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی در خصوص طراحی تهاجم وجود نداشته و هیچ حمله ابتدایی نیز صورت نگرفته باشد. این در حالی است که ماده ۵۱ به‌هیچ‌وجه حق حمله با توسل به اصل دفاع از خود بر مبنای ظن و احتمال به کشورهای عضو جامعه بین‌المللی نداده است؛ چراکه سوریه نیز در چارچوب معاهدات بین‌المللی به‌عنوان یک کشور عضو سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است؛ بر این مبنا، تمامیت ارضی این کشور باید حفظ شود.

بدیهی است اصل تمامیت ارضی یکی از اصول اساسی حقوق

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بین‌الملل است و بیانگر این نکته مهم است که قلمرو هوایی، دریایی و زمینی یک کشور به‌هیچ‌وجه نباید مورد تجاوز و تهاجم کشور های دیگر قرار بگیرد؛ بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نیز مؤید همین امر است.

سؤال اصلی مقاله عبارت است از: آیا عملیات شاخهٔ زیتون نقض مفاد منشور و یا به عبارتی توسل به زور محسوب می‌شود یا خیر؟

سؤال فرعی نیز عبارت است از: مضاف بر اینکه آیا استناد دولت ترکیه به دفاع پیش‌گیرانه از نظر حقوق بین‌الملل واجد مشروعیت است یا خیر؟

با توجه به مفاد منشور ملل متحد، به نظر می‌رسد اقدام ترکیه در قالب دفاع مشروعی که در منشور تعریف شده است، نمی‌گنجد و آنچه اتفاق افتاده، نقض فاحش قواعد حقوق بین‌الملل و به عبارتی توسل به زور است.

آموزه‌های حقوق بین‌الملل جاری، دکترین دفاع پیش‌گیرانه را ممنوع می‌داند. یک دولت نمی‌تواند هنگامی که تنها احتمال فرضی یک حمله وجود دارد، علیه دولت دیگر به زور متوسل شود.

پژوهش حاضر به مسئلهٔ توسل به زور و دفاع مشروع براساس موازین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه منشور ملل متحد می‌پردازد و برای این منظور این قسمت از مباحث حقوق بین‌الملل را با مناسبت بین‌المللی روز تطبیق، تحلیل و بررسی می‌کند.

با توجه به اینکه یکی از اساسی‌ترین موضوعات مورد بحث در حقوق بین‌الملل، حفظ صلح و امنیت جهانی است؛ لذا ممکن است پارادایم ها یا مواردی وجود داشته باشند که این موضوع اساسی حقوق بین‌الملل را به مخاطره انداخته و جامعهٔ جهانی را دچار معضل و بحران کنند. یکی از این موارد، بحث دفاع مشروع است. بنابراین ضرورت دارد که به این مسئله به صورت ویژه پرداخته شود.

دربارهٔ پیشینه بحث می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

محمدعلی‌پور و *ممتاز* (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای با عنوان «دفاع مشروع»، ضمن بررسی حق دفاع مشروع و مفهوم تجاوز از دیدگاه منشور ملل متحد و اسناد مختلف بین‌المللی، شرایط وقوع دفاع مشروع، دفاع مشروع فردی، جمعی و طرح دکترین دفاع پیش‌گیرانه را نیز بررسی می‌کنند و نیز ادامه می‌دهند اصل دفاع مشروع، مهم‌ترین استثنا بر قاعده منع توسل به زور مسلحانه محسوب می‌شود. براین‌اساس، دولت‌ها در صورت قرار گرفتن در معرض حمله مسلحانه حق دارند تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را به عمل آورد با استفاده از قوای نظامی از خود دفاع کنند. و سرانجام به این نتیجه می‌رسند که وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر اصل دفاع مشروع تأثیرات عمیقی نهاده، و تلقی حملات تروریستی به‌عنوان حملات مسلحانه، تفسیر گسترده‌ای از این اصل را موجب شده است.

ابراهیمی (۱۳۸۲)، در مقاله ای با عنوان «تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل» مبحث توسل به زور و استثنائات آن را از دیدگاه حقوق بین‌الملل بررسی می‌کند؛ بنابراین ابتدا به مفهوم تجاوز پرداخته و سپس مستثنیات آن را در قالب دفاع مشروع و امنیت دسته‌جمعی بیان می‌کنند. در ادامه نویسنده به مسئله خودیاری و مداخلات بشردوستانه در حقوق بین‌الملل اشاره می‌کند.

جعفرزاده و *بیگی* (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حملات ۱۱ سپتامبر»، در قسمت اول به تعریف دکترین دفاع پیش‌دستانه، پیشینه و گونه‌شناسی آن پرداخته و متعاقباً قطعنامه‌های شمارهٔ ۱۳۶۸و۱۳۷۳ صادره از سوی شورای امنیت در ارتباط با دکترین دفاع پیش‌دستانه را تحلیل می‌کنند. همچنین با طرح دکترین دفاع پیش‌گیرانه و با ذکر مثال هایی از قبیل بحران ۱۹۶۲ موشکی کوبا و یا جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷، نگاه خواننده را به تفکیک دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه از دفاع مشروع رهنمون می‌سازند و در نهایت نتیجه می‌گیرند که پذیرش دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه مخالف با قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل است؛ زیرا تنها مرجع ذی‌صلاح برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت است، نه ارادهٔ خود کشورها.

شریفی طرازکوهی و *بارین چهاربخش* (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم»، به ارزیابی مجدد بحث‌ها و سنجش قانونی بودن دفاع مشروع بازدارنده پرداخته‌اند. بدین منظور، تفسیری عینی از ماده ۵۱ منشور ملل متحد در پرتو قواعد تفسیر معاهدات ارائه داده و حقوق بین‌الملل عرفی را در این زمینه احراز می‌کنند و تأیید می‌کنند که دفاع مشروع بازدارنده به دلیل فقدان رویه گسترده و یکنواخت و عدم اعتقاد حقوقی دولت‌ها، پیش از رویداد ۱۱ سپتامبر، به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی احراز نشده بود و به این نتیجه دست می‌یابند که پس از رویداد یازدهم سپتامبر، گرچه رویه دولت‌ها گرایش به تساهل در قبال توسل به زور علیه تهدیدات قریب‌الوقوع تروریست‌ها دارد، با این

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حال ماده ۵۱ منشور ملل متحد کماکان مقرره‌ای مناسب جهت تنسیق توسل به زور بین دولت‌ها به‌شمار می‌آید.

۱. توسل به زور در حقوق بین‌الملل جدید

رژیم جدید حقوقی که بر سه کنوانسیون بنا نهاده شده است: (پیمان بریان کلوگ، میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد)، حق توسل به زور را به‌طور کامل ممنوع نکرده و استثنائاتی برای آن قائل شده که مفاد منشور ملل در تأیید این گفته است در واقع منشور سازمان ملل، جامع‌ترین سندی است که در آن تلاش های جدی نه‌تنها برای محدود کردن جنگ در معنی رسمی، بلکه ممنوعیت تهدید یا اعمال زور در جهت حفاظت از نسل های آتی در برابر آثار جنگ صورت پذیرفت. ازجمله تعهداتی که منشور در خصوص ممنوعیت توسل به زور پیش‌بینی کرده، بند ۴ ماده ۲ است. براساس این قسمت از منشور، دولت‌ها موظف شده‌اند که در روابط بین خود از اعمال تهدید یا زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال یکدیگر، خودداری کنند. هدف این ماده، تضمین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از کاربرد جنگ به‌عنوان ابزار سیاست خارجی است.

در حقوق بین‌الملل معاصر، به نحوی که در کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات (مواد ۵۳و۶۴) تدوین شده است، ممنوعیت مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد قاعده آمره به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، جامعه بین‌المللی و دولت‌ها به‌طورکلی تشخیص داده و پذیرفته‌اند که این قاعده، تخلف‌ناپذیر است و فقط توسط یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل، با همان ویژگی قاعدهٔ آمره قابل اصلاح است. ازاین‌رو، قواعد امره جهانی همانند ممنوعیت مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل را نمی‌توان نقض کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۲، ص ۹۲). ناگفته نماند دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه، نقش مهمی در توسعه اصل عدم استفاده از زور داشته است (کرم‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱).

آنچه روشن است توسل به زور در قلمرو یک دولت با رضایت دولت مزبور منع قانونی ندارد. البته شخصیت یا رکن اعطاکنندهٔ مجوز، براساس قانون اساسی دولت متبوعش باید صلاحیت لازم برای صدور چنین مجوزی را داشته باشد. چنین مداخله‌ای زمانی رخ می دهد که دولتی از دولت دیگر تقاضا می کند که در حفظ نظم و قانون در قلمروش به او یاری رساند. در چنین شرایطی مادامی‌که دولت یاری‌کننده خواستار تحمیل و اعمال تغییرات بنیادی در امور سیاسی دولت در خواست‌کننده کمک نباشد، مشروع است (مک‌دونالد، ۱۳۸۷، ص ۸۳). در خصوص عملیاتی که از آن تحت عنوان شاخه زیتون یاد می‌شود، براساس گزارشات و شواهدی که موجود است، ترکیه هدف خود را از این حمله پاکسازی تروریست‌ها و ایمن‌سازی مرز های خود اعلام می کند و ازآنجاکه عملیات در خاک سوریه انجام می‌شود، دولت سوریه رسماً به این عملیات اعتراض و آن را نقض حاکمیت خود و مفاد منشور ملل متحد عنوان می کند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد ادعای کشور سوریه در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل بگنجد.

۲. مفهوم تجاوز و دفاع مشروع براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد

تعریف تجاوز یکی از مسائل بسیار بحث‌انگیز است. همان‌طور که کمیسیون مشورتی دائمی جامعه ملل در سال ۱۹۲۳ اظهار داشت: «در شرایط جنگ مدرن بسیار ناممکن به‌نظر می رسد که حتی در تئوری بتوان تعیین کرد چه چیزی یک مورد تجاوز را تشکیل می‌دهد (محمدعلی‌پور و ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴). چنین برمی‌آید که تجاوز عمداً در منشور ملل متحد بی‌تعریف مانده است؛ زیرا بیم آن می رفت که پیشرفت فناوری در زمینه تجهیزات جنگی روزآمد تعریف کلیه موارد تجاوز را از فایده بیندازد. این امر باعث می شد فهرست کلیه مصادیق تجاوز ناقص گردیده، به این ترتیب، مرتکب تجاوز بتواند از خلأ به‌وجودآمده سوءاستفاده کرده و تعریف ارائه‌شده را به سود خود تحریف کند. بنابراین، ماده ۳۹ منشور، کار تشخیص وجود هرگونه تهدید نسبت به صلح یا اقدام تجاوزکارانه و متعاقب آن انجام اقدامات متناسب را به شورای امنیت واگذار می کند (نظری‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶). با این حال، در نهایت مجمع عمومی در دسامبر ۱۹۷۴ موفق به تصویب قطعنامه ۳۳۱۴ با موضوع تعریف تجاوز شد. بدین‌ترتیب، همچنان قطعنامهٔ تعریف تجاوز به صورت یکی از منابع حقوقی قابل استناد، مطرح است و در آراء قضایی بین‌المللی از آن استفاده می‌شود. البته لازم به اشاره است که قطعنامه یادشده به‌عنوان راهنمای شورای امنیت در تعیین متجاوز مطرح است و شورای امنیت در رعایت و یا عدم رعایت آن مختار است. با توجه به مطالب فوق، معلوم می شود که توسل به زور به صورت مطلق ممنوع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نگردیده است؛ بلکه منشور ملل متحد به‌طور صریح در آن دو استثنا قائل شده است. این دو استثنا عبارتند از:

۱. حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی در قبال حمله مسلحانه (ماده ۵۱)؛

۲. توسل به زور در قالب سیستم امنیت دسته‌جمعی (ماده ۴۲)؛

که چون این مبحث از حوصله پژوهش حاضر خارج است، جهت جلوگیری از اطاله کلام از پرداختن به آن خودداری می‌شود.

۳. دفاع مشروع

یک استثنای بزرگ بر قاعده منع توسل به زور توسط دولت‌ها در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد مطرح شده که تمام سیستم‌های حقوقی به تابعان خود اجازه استفاده از آن را می‌دهند. این استثنا در ماده ۵۱ این‌گونه بیان شده است: «هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه به یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق به عمل می آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به‌هیچ‌وجه بر اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت طبق منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر زمان که ضروری تشخیص دهد، اقدام لازم را به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت». در ماده مذکور و هیچ ماده دیگری از منشور ، تعریفی از دفاع مشروع و حمله مسلحانه نشده است. دامنه این حق، شرایط اعمال آن، مفهوم اقدامات لازم و مرجع تشخیص‌دهنده نیز دقیقاً آشکار نیست. از میان تعاریف مختلف، می‌توان دفاع مشروع را «کاربرد قانونی زور متقابل در پاسخ به استفاده غیرقانونی قبلی از زور براساس دیدگاه منشور ملل متحد یا حداقل، تهدید به زور براساس تفسیر موسع از حقوق عرفی بین‌المللی تحت شرایطی که حقوق بین‌الملل مقرر داشته است» دانست (محمدعلی‌پور و ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۲۱۳). اما علی‌رغم عدم ارائه تعریفی از حق دفاع مشروع، با بررسی ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی مشاهده می‌شود که توسل به دفاع مشروع متضمن شرایطی است: ۱. ضرورت؛ ۲. فوریت؛ ۳. نبودن گزینه دیگر؛ ۴. تناسب (شریفی، ۱۳۸۲، ص ۹۳). این چهار شرط به خوبی نمایانگر این است که هریک از دولت های عضو ملل متحد زمانی می توانند به دفاع مشروع متمسک شوند که حمله مسلحانه‌ای علیه آنها به وقوع پیوسته باشد (صحرایی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲۴). در مورد عملیات شاخه زیتون یا به قول دولت ترکیه دفاع مشروع و به دنبال آن اعزام نیروی نظامی به حریم سرزمینی سوریه، هیچ‌گونه حمله یا اقدامی که از مصادیق قطعنامه تعریف تجاوز باشد از ناحیه کشور سوریه رخ نیافته است، تا ترکیه به دفاع مشروع و حفظ تمامیت ارضی خود استناد کند. لکن آنچه که آشکار می‌شود این است که برخی دولت ها به دفاع مشروع نه‌تنها در زمان جنگ و درگیری مسلحانه یا وجود حالت جنگی استناد می کنند؛ بلکه با تفاسیر موسع از حمله مسلحانه، دامنه دفاع مشروع را گسترش می دهند. بنابراین، آنچه که هویداست دکترین دفاع پیش گیرانه و یا پیش دستانه از هیچ جایگاهی در حقوق بین‌الملل برخوردار نبوده و کاملاً غیرمجاز و مخالف با قواعد حقوق بین‌الملل و روح حاکم بر منشور می‌باشند.

۴. استناد به دفاع پیش گیرانه ابتکار عمل ترکیه در عملیات شاخه زیتون

پرواضح است که ماده ۵۱ منشور آشکارا حق دفاع از خود را منوط و مشروط به وقوع حمله مسلحانه دولت دیگر می‌داند. اما همین مسئله یعنی «ضرورت وقوع حمله مسلحانه به‌عنوان پیش‌شرط حق توسل به دفاع مشروع»، پس از تصویب منشور و به‌ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، بسیار بحث‌انگیز بوده است؛ به‌طوری‌که حقوق‌دانان را به دو گروه معتقدان به تفسیر مضیق و موسع از ماده ۵۱ تبدیل کرده است (کورتن، ۲۰۰۵، ص ۸۰۳ـ۸۲۲).

قائلان به تفسیر موسع با رد قرائت لفاظانه و تفسیر مضیق که منجر به پذیرش دفاع مشروع تنها در برابر وقوع حمله مسلحانه می‌شود، اعتقاد دارند که بایستی این ماده را به‌طور موسع تفسیر کرد؛ چراکه این برای اهداف منشور هجوآمیز است که دولت مدافع مجبور باشد حملهٔ نخست دشمن را که احتمالاً خطرناک و تهدیدآمیز نیز هست، تحمل کند. بنابراین قرائت لفظی ماده۵۱ به حمایت از حق نخست متجاوز منجر می‌شود (آکرمن، ۲۰۰۳، ص ۲). اما گروه دوم با اتکا به اصل منع توسل به زور، از جمله ذیل ماده (۴) ۲، منشور تأکید دارد وقوع حمله مسلحانه پیش‌شرط تحقق حق دفاع مشروع است. ازاین‌رو، در حوزهٔ دفاع مشروع دکترینی مطرح می‌شود که دفاع مشروع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

را در وضعیت های خاص مجاز می‌شمارد. این دکترین به دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه معروف شده‌اند که هرکدام مفهوم جداگانه‌ای دارند. دکترین دفاع پیش‌دستانه، دفاع مشروع را در وضعیت‌های خاص مجاز می شمارد. طبق دکترین دفاع پیش دستانه پاسخ مسلحانه به حملات قریب‌الوقوع یا آنجا که حمله‌ای وقوع یافته و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است، مجاز می‌باشد (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۴). این دکترین به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا در زمان ریاست جمهوری جورج بوش (پسر) مطرح شد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده آمریکا و بریتانیا اقداماتی علیه افغانستان انجام دادند. آنها به وجود شواهدی مبنی بر وقوع حملات بیشتر در آینده اشاره می کردند. این دو کشور تأکید می کردند که حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از سلسله حملاتی بود که از ۱۹۹۳م علیه ایالات متحده آمریکا شروع شده است (جعفرزاده و بیگی، ۱۳۹۴، ص ۳). بنابراین مطابق این تئوری، دفاع پیش‌دستانه زمانی مورد ادعا قرار می‌گیرد که حمله‌ای قریب‌الوقوع باشد و یا حمله‌ای صورت گرفته و احتمال می رود مجدداً نیز صورت بگیرد. با این شرط عملیات شاخه زیتون در هیچ کدام از این دو شرط جای نمی گیرد؛ نه حمله‌ای قریب‌الوقوع است و نه حمله ای صورت گرفته که حداقل از دیدگاه دفاع پیش دستانه قابل توجه باشد. این نکته را به خوبی می توان از اظهارات مقامات ترکیه فهمید آنها حضور گروه های تروریستی (پ. ی. د) را صرفاً تهدید برای کشورشان می دانند، نه حمله قریب‌الوقوع؛ و ضمناً فرماندهان این گروه هم هیچ‌گونه ادعایی مبنی بر حمله زودهنگام نکرده‌اند؛ هرچند در اهداف بلندمدت خود ممکن است چنین اندیشه‌ای بر سر داشته باشند. لکن عملکرد ترکیه بیشتر نزدیک به تئوری دوم همان دفاع پیش‌گیرانه است. اصطلاح دفاع پیش‌گیرانه، به تهاجمی اطلاق می‌شود که در آن یک دولت با هدف سرکوب هرگونه احتمال حمله آتی، حتی در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی در خصوص طراحی تهاجم وجود نداشته، و هیچ حمله ابتدایی نیز صورت نگرفته است، به زور متوسل شود (برس، ۱۹۹۲، ص ۳۲۱).

به بیان ساده‌تر جنگ پیش‌گیرانه به منظور تخریب پتانسیل تهدید دشمن، هنگامی که حمله‌ای از سوی آن انتظار نمی‌رود، صورت می‌پذیرد. درحالی‌که دفاع پیش‌دستانه با این پیش‌بینی که حمله دشمن فوری است، آغاز می‌شود. حمله پیش‌گیرانه در پاسخ به تهدیدات کمتر فوری صورت می‌گیرد. در این حمله، بیش از آنکه تمایل به وارد کردن ضربه نخست در جنگی، حتی به دشمن باشد، تمایل به آن است که جنگ زودتر آغاز شود تا عنصر تهدیدزا خیلی سریع ضربهٔ خردکننده متحمل شده و تا مدت های مدیدی از دایره تهدیدزایی برای کشور مهاجم خارج شود. مصداق بارز دفاع پیش‌گیرانه، تهاجم اسرائیل به نیروگاه «اوسیراک» عراق در سال ۱۹۸۱ می‌باشد که نهایتاً این اقدام توسط تمام کشور ها ازجمله تمام اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت محکوم گردید (ظریف و آهنی امینه، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

بدین‌ترتیب به نظر می‌رسد که روند فعلی، در جهت فاصله گرفتن از مفهوم سنتی دفاع و توجه روزافزون به تفسیر موسع از آن باشد. اما باید توجه داشت که حقوق بین‌الملل فعلی، دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه را ممنوع می‌داند. براین‌اساس یک دولت نمی‌تواند هنگامی‌که تنها احتمال فرضی یک حمله وجود دارد و به بهانه تروریست علیه دولت دیگر متوسل به زور شود.

۵. خلأ منشور و سوءتعبیر از واژه دفاع مشروع

با عنایت به توسعه حقوق بین‌الملل ناظر بر توسل به زور طی قرون متمادی، که اوج آن را می‌توان در منشور مشاهده کرد، به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدف این حقوق، برخورد با تهدیدهای متعارف ناشی از بازیگران متعارف یعنی دولت‌ها بوده است. هم سلاح‌های کشتار جمعی، هم تروریسم بین‌الملل تهدیدهایی را متوجه صلح و امنیت بین‌الملل کرده‌اند که از سوی حقوق بین‌الملل سنتی قابل پیش‌بینی نبوده است. اینک و با حوادث مستحدثه در خاورمیانه و ظهور گروه‌هایی همانند داعش، جبهةالنصره، پژاک و... به خوبی مشخص است که معضلاتی همانند گروه های مسلح غیردولتی، تهدیداتی نوین برای امنیت بین‌المللی تلقی شده است؛ اما منشور هیچ عنایتی به آن نداشته و جای خالی آن در فصل هفتم منشور به خوبی نمایان است (آهنی امینه و فتح‌اللهی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰).

علی‌رغم اینکه منع توسل به زور در منشور آمده و متعاقباً توسعه‌های تدریجی در خصوص این قاعده رخ داده است، اما هنوز در روابط بین‌المللی توسل به زور کاملاً رفع نشده است؛ دلیل این امر ناشی از ضعف قواعد حقوقی نیست؛ بلکه شیوهٔ تفسیر و اجرای این قواعد است. در واقع اقدامات اجرایی زمانی با موفقیت انجام می گردند که تمام قدرت های بزرگ رضایت ضمنی خود در قبال اجرای آنها را

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اعلام دارند. مضاف بر اینکه برخی از مشکلات که در اعمال قواعد منشور در مورد استفاده از زور ایجاد می شود، به عدم صراحت آن قواعد مربوط است. یکی از این مسائل مبهم رابطهٔ میان بند ۴ از ماده ۲ منشور و ماده ۵۱ منشور است (مک‌دونالد، ۱۳۸۷، ص ۸۷). همین امر موجب شده که حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ کم‌کم به صورت یکی از دکترین های پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل عرفی درآید، به‌طوری‌که در حال حاضر در ارزیابی پاسخ های داده‌شده به تروریسم، دکترین دفاع پیش‌گیرانه و یا پیش‌دستانه در استفاده از زور مورد توجه قرار گرفته است. در موارد متعدد دولت‌ها تلاش کرده‌اند اقدامات خود را در مقابله با تروریسم، براساس دفاع مشروع توجیه کنند. اما ذکر این نکته لازم است که حق دفاع مشروع چه در قالب پیش گیرانه و یا پیش دستانه، به دولتی اجازه نمی دهد تا راساً هرگونه اقدام نظامی و غیرنظامی علیه دولتی اعمال کند؛ بلکه توجه دقیق به اصول کلی حقوق حاکم بر جامعه بین‌المللی باید ما را به سوی یک نتیجه‌گیری رهنمون سازد. فقط شورای امنیت است که براساس ادله محکمی که نشان می‌دهد، می‌تواند تصمیم بگیرد که تحت چه شرایطی توسل به زور علیه این کشور ها مجاز می‌باشد. با این ملاحظات می‌توان گفت که ایجاد نظم و امنیت بین‌المللی ایجاب می‌کند که:

۱. اقدام یک‌جانبه برای مقابله تهدیدی جهانی، کافی نیست و همکاری و هماهنگی بین‌المللی بیشتری برای محدود ساختن تروریست‌های بین‌المللی لازم و ضروری است.

۲. تروریسم بین‌المللی در دنیای کنونی واقعیتی است که تنها با وضع قانون نمی توان به مقابله با آن برخاست؛ بلکه بایستی به علل به‌وجودآورنده این پدیده هم توجه گردد و سازمان ملل متحد باید به‌عنوان مرجعی برای پایه‌ریزی و ایجاد رویکرد سیاسی مشترک جهت جلوگیری، نظارت و مبارزه با تروریسم بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بین‌الملل کنونی چیزی به نام دفاع پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه را شناسایی نکرده و طرفداران این دکترین صرفاً برای نیل به اهداف سیاسی خود، دور زدن موازین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه منشور ملل متحد را به‌عنوان حربه‌ای کارا در دستور کار خود قرار داده‌اند.

دولت ترکیه نیز با توسل به این حربه در ژانویه ۲۰۱۸ و با هدف برقراری ثبات و صلح در مرز ها و نابودی تروریست‌های مستقر در شهر مرزی عفرین سوریه، عملیات نظامی موسوم به شاخه زیتون را آغاز کرد. این در حالی است که پاسخ به تروریسم بین‌المللی زمانی می تواند در قالب دفاع مشروع انجام شود که اقدامات تروریستی حمله مسلحانه ای را مطابق با مفاد منشور تشکیل دهد. به عبارت دیگر، هرگونه حمله نظامی براساس نظام منشور لازم است یا در پاسخ به یک حمله مسلحانه در حال وقوع صورت پذیرد، یا براساس تصمیم شورای امنیت و در چارچوب فصل هفت منشور و به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی انجام شود. اگر یک حمله مسلحانه، فاقد یکی از این دو شرط باشد، بدون تردید واجد ویژگی حمله تجاوزکارانه خواهد بود. بدین معنا که اگر این حمله یا جنگ، بدون دسترسی به شواهد و مدارک و اثبات یک حمله مسلحانه از سوی دولتی دیگر و تنها براساس تهدیدات احتمالی در آینده‌ای نامعلوم انجام پذیرد، از آن جهت که نقض «اصل منع توسل به زور» محسوب می‌شود واجد وصف مجرمانه می‌باشد.

استناد به دفاع پیش دستانه و یا پیش گیرانه در جهان فاقد قدرت مرکزی، به معنای ناامنی بیشتر و جنگ‌های مخرب‌تر است، که حتی برای قدرتمندان نیز خطرناک می‌باشد. به همین دلیل، این دکترین، مورد قبول جامعه بین‌الملل نبوده و مخالف با آموزه‌های حقوق بین‌الملل و روح منشور ملل متحد می‌باشد؛ زیرا تنها مرجع ذی‌صلاح برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت می‌باشد، نه اراده خودسرانه کشورها در سوءاستفاده از مفاد منشور؛ چراکه این امر می‌تواند اعتبار سازمان ملل و بالاخص شورای امنیت را خدشه‌دار بکند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

ابراهیمی، سیدنصرالله، ۱۳۸۲، «تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل»، ***حکومت اسلامی***، ش ۲۹، ص ۹۰_۱۲۳.

آهنی امینه، محمد و فاطمه‌زهرا فتح‌اللهی، ۱۳۹۴، «امنیت بین‌الملل در هزاره سوم و چالش‌های منشور برای مواجه با تهدیدهای نوین»، ***علوم سیاسی راهبرد***، ش ۷۷، ص ۸۵_۱۱۲.

بهستانی، مجید، ۱۳۸۷، «دفاع پیش‌گیرانه در حقوق بین‌الملل جدید»، ***حقوقی گواه***، ش ۱۲، ص ۱۳۳_۱۳۶.

تابناک، ۱۳۹۶، «ورود کاروان جدید ارتش ترکیه به خاک سوریه»، در: www.tabnak.ir

تی آرتی پرشین، ۲۰۱۸، «اهداف عملیات شاخه زیتون در عفرین»، در: www.trt.net.tr/persian/thlyl-w-gzrsh/2018/01/21

جعفرزاده، مرتضی و جمال بیگی، ۱۳۹۴، «بررسی تطبیقی دفاع پیش‌دستانه و پیش گیرانه از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر حملات ۱۱ سپتامبر»، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران، مرکز همایش‌های توسعه ایران.

خبرگزاری آناتولی، ۲۰۱۸، «عملیات شاخه زیتون تا نابودی کامل تروریست‌ها ادامه خواهد دلشت»، در: https://aa.com.tr/fa/

شریفی طرازکوهی، حسین و ویکتور بارین چهاربخش، ۱۳۹۲، «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم»، ***پژوهش حقوق عمومی***، ش ۴۰، ص ۹_۳۶.

شریفی، محسن، ۱۳۸۲، «تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، ***سیاسیت خارجی***، ش ۱، ص ۹۱_۱۱۲.

صحرایی، محمدرضا، ۱۳۸۸، «مشروعیت توسل به زور در مبارزه با تروریسم»، ***سیاست خارجی***، ش ۴، ص ۱۱۵_۱۳۶.

ظریف، محمدجواد و محمد آهنی امینه، ۱۳۹۱، «دفاع مشروع پیش‌دستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد»، ***تحقیقات سیاسی بین‌المللی*** (دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا)، ش ۱۲، ص ۴۱_۸۲.

کرمزاده، سیامک، ۱۳۸۲، «تروریزم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل»، ***مدرس علوم انسانی***، ش ۲۸، ص ۱۶۵_۱۸۰.

محمدرفیعی، سیدکمال‌الدین، ۱۳۸۲، «بررسی حقوقی دکترین دفاع پیش‌دستانه»، ***سیاست دفاعی***، ش ۴۴، ص ۵۴_۸۵.

محمدعلی‌پور، فریده و جمشید ممتاز، ۱۳۸۱، «دفاع مشروع»، ***مجلس و راهبرد***، ش ۳۵، ص ۲۰۹_۲۰۳.

مک‌دونالد، رونالد جان، ۱۳۸۷، «نگرش حقوق بین‌الملل در مورد توسل به زور توسط دولت‌ها»، ترجمهٔ نجمه رزم‌خواه، ***حقوقی گواه***، ش ۱۳، ص ۸۱_۸۸.

موسوی، سیدفضل‌الله و مهدی حاتمی، ۱۳۸۵، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، ***مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران***، ش ۷۲، ص ۳۰۳_۳۲۴.

نظری‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۹، «دفاع مشروع فردی در جنایت تجاوز ارضی»، ***مطالعات حقوقی***، ش ۳، ص ۱۶۵_۱۹۰.

یورونیوز، ۲۰۱۸، «چرا ترکیه به عفرین حمله کرد؟»، http://fa.euronews.com/2018/01/22/turkey-afrin-operation-in-syria-latestes-rojava-ypg-us-russia-reax

Ackerman, David, 2003, ***International,Law and The preemptive use of the Force Against Iraq***, CRS Report of Conjress.

Beres, Louis Rene ,1991, "On Assassination as Anticipatory Self-Defense: The Case of Israel", ***Hofstra Law Review***, V. 20, Iss. 2, Article 2, p. 320-340.

Corten, Olivier, 2005, "The contvoversies over the customary prohibition on the use of force Amethodological DEBATE", ***EJIL***, V. 16, N. 5, p. 803-822.

Archive of SID.ir